

درآمدی بر طرح ریزی استراتژی ملی انرژی جمهوری اسلامی ایران در افق 1414

در چکیده این پایان نامه آمده است:

تنوع سازمان ها و نهادهای حوزه انرژی، ریشه در تنوع منابع انرژی، تنوع تولید و فرآوری، و تنوع مصرف آن دارد. هرچند که طرح ریزی تاکتیکی هریک از سازمان های مرتبط با مقوله انرژی، جداگانه، توسط خود آنها صورت می گیرد، اما مسأله هم سویی و «یکپارچگی» این نهادها و سازمان ها، مسأله ای «مغفول» مانده است، که به نظر می رسد حتی پیدایش شورای عالی انرژی نیز نتوانسته است آن را محقق کند. طرح ریزی جامعی که بتواند، هماهنگی، هم جہتی، و یکپارچگی میان سیاست های مرتبط با انرژی های فسیلی، انرژی الکتریکی، انرژی هسته ای، و انرژی های تجدیدپذیر بوجود آورد، تنها در قالب طرح ریزی استراتژیک امکان پذیر است.

مطالعه طرح ریزی استراتژی ملی انرژی 7 نکته کلی را در بر دارد:

- طرح ریزی استراتژی ملی انرژی، یک مطالعه میان رشته ای است که می طلبد به صورت گروهی، با تشکیل گروه کار طرح ریزی از میان متخصصان علوم مرتبط، صورت پذیرد.
- در شرایط کنونی، روش کلاسیک طرح ریزی استراتژیک، منابع سنتی قدرت را پنج ستون اصلی، فرهنگ، سیاست، اقتصاد، دفاع، و اجتماعی می شناسد. در این روش، انرژی را تنها می توان یک منبع فرعی قدرت ملی، و عمدتاً تابعی از ستون قدرت اقتصادی به حساب آورد.

منظور از منبع اصلی قدرت ملی، حوزه هایی است که دو مقوله بنیادی «ثبات ملی» و «بقاء ملی» در ارتباط مستقیم با آنها تعریف می شوند. این حوزه ها در شکل سنتی آن، پنج ستون اصلی یعنی قدرت اقتصادی، قدرت فرهنگی، قدرت سیاسی، قدرت دفاعی، و قدرت اجتماعی هستند، که سقف بنای امنیت ملی بر این پنج ستون استقرار دارد.

منابع اصلی قدرت، همچنین منابع اصلی ساختاری حکومت ها در جوامع فعلی محسوب می شوند: امروزه در ایران، دسته بندی

کمیسیون‌های اصلی مجلس شورای اسلامی، دسته‌بندی وزارت‌خانه‌های اصلی دولت، و ... مبتنی بر همان تفکیک منابع پنج‌گانه کلاسیک قدرت است. منبع فرعی قدرت ملی، منبعی است که زیر شاخه یکی از منابع اصلی قدرت می‌باشد.

• ساختارهای ارگانیکی به مرور جای خود را به ساختارهای سایبرنتیکی می‌دهد. اولین کارکرد این تحول، کم رنگ شدن نقش و اثر ساختار سنتی قدرت ملی است که بر پایه منابع پنج‌گانه کلاسیک قدرت رقم خورده است.

ساختارهای سایبرنتیک، دو عنصر و ستون اساسی دارند: ستون قدرت اطلاعات و ستون قدرت انرژی.

با توجه به تعمیم و گسترش روز افزون عنصر اطلاعات به ویژه اینترنت در جهان، و با توجه به تعمیق نیاز بشر به انرژی در آینده، «قدرت ملی نوین» از حالت پنج وجهی کلاسیک، به دو وجهی سایبرنتیک تغییر وضعیت خواهد داد.

لذا فرض این نوشتار این است که:

الف- اگر به منابع پنج‌گانه کلاسیک قدرت ملی تکیه شود، آنچه به هر پنج منبع مساعدت و کمک می‌نماید، انرژی است. لذا می‌توان انرژی را یک «قدرت پایه و اساسی» و یک قدرت مولد دانست که پنج ستون کلاسیک قدرت ملی به آن تکیه دارند. در نتیجه نقش انرژی در قدرت ملی فزونی یافته و به سطح یک ستون اساسی و اصلی ارتقاء پیدا نموده است. این نکته به معنی «محور» قرار گرفتن انرژی در تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌های ملی است.

ب- اگر به منابع نوین قدرت ملی - در جهان آینده - توجه شود، ساختار قدرت آینده، قدرت سایبرنتیک است. قدرت سایبرنتیک، دو ستون اصلی دارد: اطلاعات و انرژی. در نتیجه نیمی از توان ملی را انرژی تشکیل می‌دهد، پس به همین نسبت، نیمی از سیاست‌گذاری‌ها، بایستی معطوف به ارتقا موقعیت عینی انرژی در طرح‌ها و برنامه‌های ملی گردد.

ج- هر دو صورت الف و ب - روش سنتی یا روش نوین ساختار قدرت ملی - آنچه به طرز چشمگیری ارتقاء وضعیت یافته است، جایگاه و نقش انرژی در سیاست‌های ملی جوامع است. این مسئله موجب می‌شود که درصد «تکیه قدرت ملی به منبعی به نام انرژی، بازنگری شده و به جایگاه واقعی خود ارتقا یابد.

د- به تبع تنظیم درصد «تکیه قدرت ملی به انرژی در نسبت با تکیه بر سایر منابع قدرت، در حوزه انرژی نیز، باید درصد تکیه قدرت ملی به هر یک از انواع انرژی - فسیلی، الکتریکی، هسته‌ای، تجدیدپذیر - شفاف و روشن شود.

• جهت‌گیری استراتژی انرژی جمهوری اسلامی، به عنوان یک آرمان قابل حصول - در افق - 1414 سه محور کلی دارد:

الف- خود کفایی در حوزه انواع انرژی. این خود کفایی، به طور مشخص سه بخش مجزا را شامل می‌شود:

1. خود کفایی در دانش انرژی - انرژی‌های گوناگون - از طریق تحقق جنبش نرم افزاری در حوزه انرژی. این

جهت‌گیری، بایستی به دنبال پیشتازی علمی باشد نه دنباله روی صرف.

2. خود کفایی در تکنولوژی انواع انرژی.

3. خود کفایی در تولید انرژی.

ب- مصرف بهینه انرژی، به منظور کاهش مصرف بی‌رویه و در نتیجه امکان صدور بیشتر انرژی و حفظ محیط زیست.

ج- صدور همه انواع انرژی، و فرآورده‌های مربوطه.

- نکته اساسی، جهت‌گیری صنعتی کشور است: در شرایط فعلی، جهت‌گیری صنعتی کشور «حمل و نقل» محور و خودرو پایه است. صنعت خودرو در قلب این جهت‌گیری و صنعت راه آهن و قطار، صنعت هواپیمایی و کشتی‌سازی در حاشیه آن قرار دارند. در افق 1414، ایران می‌تواند جهت‌گیری صنعتی شدن کشور را، صنعت انرژی قرار دهد: صنعت هسته‌ای - صنعت نفت و گاز و پتروشیمی - صنعت برق - و ... به واقع، صنعت مادر برای کشوری با شرایط جمهوری اسلامی، صنعت انرژی است، نه جهت‌گیری دیگری. لذا طرح-ریزی استراتژی انرژی می‌تواند اساس طرح‌ریزی استراتژی صنعتی قرار گیرد.
- روش طرح‌ریزی استراتژی ملی انرژی با تبیین سطوح چهارگانه و تعیین جایگاه‌ها در آن چهار سطح آغاز می‌شود. در این مسیر تبیین محیط انرژی در انطباق با چهار سطح مزبور، نکته مهمی است. روند حرکت استراتژی انرژی به طور اجتناب‌ناپذیری، روش شاتل استراتژی است. با تبیین روند شاتل استراتژی در 8 گام، استراتژی ملی انرژی را می‌توان ترسیم نمود.
- بایسته‌ها:

الف- استراتژی ملی انرژی، سه حوزه را بایستی در بر گیرد: کلان‌نگری - همه‌جانبه‌نگری - آینده‌نگری.

ب- در افق 1414 نهاد متمرکز انرژی بایستی در کشور پدید آید: وزارت انرژی.

این وزارت‌خانه، شامل وزارت نفت - سازمان انرژی اتمی - بخش نیرو در وزارت نیرو - و بخش‌هایی از وزارت صنایع و معادن (به ویژه در حوزه معادن ذغال سنگ) و بخش‌هایی از وزارت جهاد کشاورزی (در بخش بیوماس) می‌گردد.

ج- در غیر اینصورت برای اینکه استراتژی ملی انرژی توفیق یابد، لزوماً بایستی شورای عالی انرژی در حد شوراهایی چون عالی امنیت ملی، فعال شود.

درآمدی بر طرح‌ریزی استراتژی ملی انرژی جمهوری اسلامی ایران در افق 1414

